

معاد در ادیان و مذاهب مختلف جهان



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش

اعتقاد به جهان آخرت نقش مهمی در به کمال رسیدن انسان دارد و در کنترل انسان که الودگی به خلاف و گناه پیدا نکند نیز خیلی موثر است.

مجموعه ی ادیان توحیدی شامل یهودیت، مسیحیت، اسلام و زرتشت به سه اصل توحید، نبوت و معاد قائلند. ولی ادیان غیرتوحیدی هیچکدام از این سه اصل را قبول ندارند. آن ادیان بجای توحید از شرک، و بجای نبوت از حکمت و بجای معاد از تناسخ سخن می گویند. البته توحید مسیحیت با تثلیث و توحید زرتشت با ثنویت همراه است. و پیروان هر دو دین می کوشند تا به نوعی ثنویت و تثلیث خود را با اصل توحید هماهنگ سازند. یکی از مهمترین مباحث در ادیان مسئله معاد است. معاد کلمه عربی برگرفته از «عود» است به معنای بازگشتن و رستاخیز و دوباره برخواستن. باور به رستاخیز یکی از اصول دین اسلام است. ولی برخی معاد را تنها جسمانی می دانند و برخی روحانی و اصل معاد مورد قبول همه مسلمانان است و اختلاف تنها در این باب است. در سایر ادیان نیز چه توحیدی و چه غیر توحیدی بحث معاد به اشکال مختلف مطرح است.

در این پژوهش بصورت مختصر به اعتقادات ادیان توحیدی و مذاهب دست ساخته بشر در این مورد پرداخته می شود. انشالله قدمی در شناخت بیشتر ما نسبت به معاد و جهان آخرت برداشته شود.

پاییز 97- شهر حسن اباد زادگاه شیخ کلینی

اعتقاد به رستاخیز در میان اقوام و ملل بزرگ عالم

مطالعه در تاریخ زندگی ملل و اقوام گذشته و همچنین اقوام وحشی و غیر متمدن کنونی، این حقیقت را به خوبی برای ما روشن می کند که بشریت در جمیع ادوار زندگی، در هر نقطه ای که زیست می کرده و در هر مرتبه و مقامی که بوده، یک ادراک پنهانی شبیه به الهام، در خود می یافته مبنی بر اینکه «از پس امروز، فردای هست» که در آن روز عدالت مطلقه حکمروا، و هر کسی به جزای اعمال خود، چه خوب و چه بد خواهد رسید، که ما نیز جهت اطلاع بیشتر خوانندگان عزیز به مواردی از آنها فهرستوار اشاره خواهیم کرد.

1- عقیده شیتوکیها: آنها بر این عقیده اند که هنگامی که تاریکی شب، همه جا را فرا گرفت در آن وقت، ارواح مردگان در جستجوی غذا می شوند و می کوشند برای رفع گرسنگی خود، غذای لازم را فراهم نمایند.

2- اعتقاد فیجی ها: ساکنان جزائر «فیجی» معتقدند که مردگان نیز مانند زندگان، کشاورزی می کنند و تشکیل خانواده می دهند و با دشمنان خود می جنگند و کارهایی که زندگان انجام می دهند، آنان نیز انجام می دهند.¹

¹ دائرة المعارف فرید وجدی جلد 1 ص 92 - 93

3- راه و رسم مکزیکی ها: با رئیس قبیله، کاهنی را دفن می کنند تا خدمات دینی او را در آخرت انجام دهد!²

4- عقیده مصری ها: شاید از نظر تاریخی، مردم مصر، نخستین مردمی باشند که در حدود چهار هزار و ششصد سال قبل به عالم پس از مرگ، عقیده روشنی

داشته اند. مصری ها در حدود 2600 سال قبل از میلاد، عقیده داشتند که: زندگی انسان با مرگ پایان نمی پذیرد، بلکه بعد از مرگ، عالم دیگری وجود دارد که هر فردی پاداش و کیفر کردار نیک و بد خود را در آنجا مشاهده خواهد کرد.

5- اعتقاد یونانیها: در حدود سه هزار سال پیش، مردم یونان مانند مصری ها عقیده داشتند که: آدمی با مردن و مرگ از بین نرفته و نابود نمی شود، بلکه اهل قبور مانند مردم دنیا، زندگی مخصوصی داشته و نیازمندیهای مثل نیازمندیهای زندگی دنیا خواهند داشت.³

6- عقیده رومی ها: همان گونه که تمدن در کشور روم از مصر و یونان دیرتر پدید آمده، اعتقاد به بقاء روح، پس از مرگ و همچنین اعتقاد به رستاخیز و

² دائرة المعارف فرید وجدی جلد 1 ص 92 - 93

³ ملل شرق و یونان ص 167

چشیدن ثمرات تلخ و شیرین اعمال در عالمی دیگر، نیز دیرتر در آن سرزمین
بوجود آمده است.

و به طوری که از گفته «قرجیل» شاعر بزرگ رومی استنباط می شود: رومی ها نیز
مانند مصری ها و یونانی ها معتقد به زندگی پس از مرگ و بهشت و جهنم بوده
اند.⁴

عالم پس از مرگ در آئین برهما:

زندگی پس از مرگ در آئین برهما: آنچه که از تحقیقات هندشناسان و کسانی که در آئین برهمایی تحقیق و بررسی کرده اند، بر می آید آن است که این آئین، زندگی انسان را پس از مرگ خاتمه یافته نمی دانند بلکه معتقدند که آدمی پس از مرگ همچنان به سیر کمالی خود، ادامه می دهد تا خویش را به بهشت «برهما» که همان سر منزل ابدیت است برساند.⁵

آخِر شناسی آیین هندو

آیین هندو یا هندوئیسم از ادیان بسیار کهن جهان است. این آیین شکل تحوّل یافته آیین برهمایی است که آیین قوم آریایی هندوستان بوده، و خود آیین برهمایی شکل تکامل یافته آئیمیس (جان-گرایی) است که آیین باستانی بسیاری از اقوام گذشته بوده است. براساس این آیین، همه مظاهر طبیعت روح دارند و با تقدیم قربانی و نیز با نیایش و ستایش می توان آنها را بر سر مهر آورد و [2]. مورد بهره برداری قرار داد⁶

آیین هندو، همانند سایر ادیان، آموزه حیات پس از مرگ و فناپذیری و جاودانگی روح را می - پذیرد و آن را در قالب نظریه تناسخ یا تولّد دوباره که وجه مشخصه این آیین است عرضه می کند. تناسخ بدین معناست که روح پس از مرگ بدن کنونی، بر حسب اعمال گذشته خود، در قالب جدیدی حلول می کند.

به نظر برخی از معتقدان به تناسخ، تولّد دوباره یا بازگشت مجدد انسان ها به این جهان بر حسب نوع اعمال گذشته شان ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد: 1. حلول روح شخص

⁵ به سوی جهان ابدیت ص 37

⁶ توفیقی، حسین؛ آشنایی با ادیان بزرگ؛ قم - تهران: سمت - مؤسسه فرهنگی طه - مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ هفتم، 1384 صص 13، 14، 24، و 25.

متوفی در جمادات (رسخ)؛ 2. حلول روح شخص متوفی در نباتات (فسخ) 3. حلول روح شخص متوفی در حیوانات (مسخ) 4. حلول روح شخص متوفی در انسان ها (نسخ یا تناسخ)

طبق نظر هندوان، گردونه تناسخ و تولدهای مکرر در جهان پر از رنج و محنت تا زمان دستیابی به موکشه یعنی «رهایی» که مرتبه روحانی کمال محض است، همواره ادامه خواهد داشت. به تعبیر دقیق‌تر، موکشه زندگی ابدی است که در آن روح از همه آلام و رنج‌های دنیوی، آزاد می‌شود و ماهیت روحانی پاک و اصلی خود را باز می‌یابد. رسیدن به موکشه یا مرحله رهایی به یکی از سه طریق معرفت، عدم دلبستگی یا عدم تعلّق (راه عمل) و بندگی خدا (راه عشق و ایثار) میسر است. شایسته ذکر است که عقیده به تولّد دوباره یا تناسخ را در وداها (به معنای دانش‌ها)، خصوصاً در ریگ ودا (یعنی، ودای ستایش) که از متون مقدّس بسیار کهن هندوان است، نمی‌توان یافت. وداها عقیده به بهشت و دوزخ را پذیرفته بودند و انسان‌ها را بر حسب اعمال نیک یا بدشان در زندگی زمینی مستحقّ بهشت یا مستوجب دوزخ می‌دانستند. البته، وداها به بهشت بیش از دوزخ تأکید داشته و لذّت‌های بهشتی را معمولاً به صورت مادی تصور کرده و از بدن ظریف‌تر و جدید روح، شادی و شمع، نسیم ملایم و لطیف، آب گوارا و جوی‌های پر از شیر و غیره سخن به میان آورده‌اند. امّا، فقط در اوپانیشادها (که نوشته‌هایی فلسفی عرفانی‌اند) با مسأله تولّد دوباره [3]. مواجه می‌شویم که نقش اساسی و محوری در دین هندویی ایفا می‌کنند⁷

⁷ همان، ص 34؛ تیواری، کدارنات؛ دین‌شناسی تطبیقی؛ ترجمه مرضیه (لوئیز) شنکایی، تهران: سمت، چاپ اول، 1381، صص 17 و 31-35.

عالم پس از مرگ در آئین بودا

عالم پس از مرگ در آئین بودا: بودا معتقد است که: اعمال انسان، سایه صفت به دنبال او است و با همان آرامش تدریجی که شیر به ماست تبدیل می شود، اعمال بدی که آدمی مرتکب می شود، ثمرات تلخ خود را به شکل حلول روح بعد

از مرگ در موجودات شرور و موذی به کام آدمی فرو خواهد ریخت.

بنابراین باید از راههای مقدس زیر، راه نجات و اصلاحی پیدا نمود.

1- ایمان پاک 2- اراده پاک 3- سخن پاک 4- عمل پاک 5- خورد و خوراک پاک 6- کوشش پاک 7- خاطر پاک 8- تفکر پاک که رهبانیت و ترک اختیار مظاهر زندگی و لذات، بهترین مظهر آن است.

آخرت شناسی آیین بودا

آیین بودا شاخه ای از آیین هندو است که در مخالفت با تعصّب های برهمنان به وجود آمده است. این آیین که آیینی انسان گرایانه است، اصلی ترین مسأله اش، رهایی آدمی از رنج است. به عبارت دیگر، یگانه وظیفه دینی انسان نجات از درد و رنج دنیوی است، به این ترتیب که به چهار حقیقت شریف معرفت پیابد که عبارتند از: الف) در هر جای دنیا رنج وجود دارد؛ ب) رنج، معلول علت هایی خاصّ است؛ ج) از بین بردن رنج امکان پذیر است؛ د) راه های مشخصی برای از بین بردن رنج وجود دارد، همچنین به قواعد هشتگانه که راهی میانه بین ریاضت شاقّ و افراط در لذّت اند عمل کند. راه های هشتگانه یا هشت قانون بزرگ زندگی عبارتند از: دیدگاه درست؛ اندیشه درست؛ سخن درست؛ رفتار درست؛ معاش درست؛ کوشش درست؛ توجّه درست و تأمل درست.

آخرت شناسی این آیین، شبیه آخرت شناسی آیین هندو است. براساس تعالیم بودا، زندگی آدمی با مرگ جسمانی پایان نمی پذیرد، بلکه بر حسب اعمال گذشته خود در زندگی، در قالب بدن دیگری در همین دنیا به حیات خود ادامه می دهد،⁸ با این توضیح که اگر کسی عملی را از روی دلبستگی انجام دهد، سبب به وجود آمدن نیروهایی در زندگی خواهد شد که آن نیز موجب تولّد دوباره (تناسخ) می شود. این گردونه تناسخ تا تصفیه کامل و رسیدن آدمی به مقام «نیروانا» ادامه پیدا می کند؛ اما، در اثر اعمالی که بدون وابستگی انجام گیرد، از تولّد دوباره جلوگیری می شود و مانند دانه های سرخ شده، گیاهی از آن نمی روید و آدمی بلافاصله به مقام نیروانا نایل می شود.

گفتنی است که گرچه این آیین اهمیّت فوق العاده ای برای مقام نیروانا قایل است، ماهیّت و حقیقت آن در هاله ای از ابهام فرو رفته است. فقط گاهی از آن به پایان وجود، جزیره منفرد و اقلیم آسایش یاد می کنند. به تعبیر دیگر، می گویند که نیروانا، مقام یا مرتبه ای از وجود است که کاملاً [5]. روحانی و آزاد از انواع رنج های زندگانی جسمانی است⁹

⁸ ز آنجا که آیین بودا به نظریه گذرا بودن امور معتقد است و هر چیزی را فانی و زودگذر می داند و به چیزی دائمی باور ندارد، لذا از دیدگاه این آیین، روح به عنوان جوهری دائمی و ثابت وجود ندارد. روح چیزی جز سیلان لحظات متغیر آگاهی نیست.

⁹ همان، صص 52 و 68-70؛ قربانی، زین العابدین؛ بسوی جهان ابدی؛ قم: انتشارات شفق، چاپ سوم، 1372، صص 35-41.

گرچه تناسخ به معنایی که در آیین هندو و بودا آمده باطل می باشد و فیلسوفان و متکلمان مسلمان ادله متعددی در رد آن آورده اند.^[۱] ولی اصل این اعتقاد نشان از باور به حیات پس از مرگ دارد.

جهان پس از مرگ در آیین زرتشت

جهان پس از مرگ در آیین زرتشت: در میان ادیان باستانی، کمتر آئینی مانند آیین «زرتشت» برای زندگی پس از مرگ، و تأثیر کارهای نیک و زشت، در سرنوشت بعدی انسان، یعنی بهشت و دوزخ، پل صراط، پاداش و کیفر اعمال، اهمیت فراوان قائل شده و درباره مسائل مربوط به «جهان ابدی» به طور صریح و بی پیرایه سخن گفته است.

بیشتر محققین که اعتبار تحقیقات آنها مسلم و قطعی است، وجود زرتشت را در تاریخ حتمی و غیر قابل انکار می دانند و معتقدند که «اوستا» و اصول عقائد

¹⁰ برای نمونه می توانید به الاشارات و التنبیها، ابن سینا، ج 3، ص 356 و المبدأ و المعاد، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی با مقدمه و تصحیح جلال الدین آشتیانی، ص 324 مراجعه نمایید.

زرتشت، مبین و مؤید وجود شخصیت تاریخی و خصوصیات مربوط به او و محیط اوست.

نام زرتشت در اوستا «زرتشتر» به معنی دارنده شتر زرین است. و نام پدرش «پورشسب» یعنی دارنده اسب خاکستری رنگ و نام مادرش «دوغدوا» یعنی کسی که گاوهای سفید دوشیده، می باشد.

پدرش از اهل آذربایجان و مادرش از اهل ری بوده است و در اینکه زرتشت در چه زمانی زندگی می کرده، میان مورخین و حتی پیروان او اختلاف شدیدی دیده می شود، لیکن «جکسن» در کتاب «تبعات زرتشتی» با تحقیقاتی که کرده می گوید: تولد او در سال 660 و مرگش در سال 587 قبل از میلاد بوده است.

به عقیده پیروان زرتشت و برخی از مورخین، او پیغمبری بود که در آذربایجان، طلوع کرد و یکتاپرستی را رواج داد و سعادت را در سه دستور اخلاقی زیر خلاصه کرد: «پندار نیک»، «گفتار نیک»، «کردار نیک»

کتاب زرتشت «اوستا» یعنی شریعت استوار نام دارد.

در دین زرتشت نیز که بنا به قول مشهور حدود 600 سال قبل از مسیح تأسیس شده است عقیده به معاد به وضوح بیان شده است. در این دین اعتقاد بر این است که روح بعد از جدا شدن از بدن تا روز رستاخیز وارد عالم برزخ می شود ؛ تا در روز رستاخیز به جسم خود پیوندد؛ زرتشتیان به اموری مثل صراط و میزان اعمال و بهشت و جهنم نیز اعتقاد دارند ؛ ولی معتقدند که در جهنم

آتش وجود ندارد چرا که آتش از نظر آنان مقدّس است ؛ به عقیده آنها جهنم محلی بسیار سرد و تاریک و کثیف و پر از حیوانات موزی است که گناهکاران را اذیت می کنند. (آشنایی با ادیان بزرگ ؛ حسین توفیقی ؛ ص 57 و 62)

بنا بر این معاد مطرح در دین زرتشت بسیار شبه به معاد مورد نظر اسلام است . و ظاهراً تنها دین غیر ابراهیمی است که با صراحت معاد را می پذیرد ؛ البته در مورد منشاء دین زرتشت اختلاف نظر وجود دارد ؛ طبری مورخ مشهور و پیروان او در زمینه تاریخ ، بر این اعتقادند که زادگاه زرتشت فلسطین است ؛ و او از فلسطین به ایران آمده است ؛ امّا عموم مورخان و خود زرتشتیان بر این باورند که زادگاه زرتشت آذربایجان است ؛ و محل بعثت او کنار دریاچه ارومیه است. برخی نیز او را از شرق ایران می دانند ؛ بر این اساس اگر حرف طبری درست باشد این احتمال وجود دارد که زرتشت نیز از سلسله انبیاء ابراهیمی باشد ؛ ولی بنا به اقوال دیگر این احتمال بعید است ؛ در کتب مذهبی زرتشتیان نیز ذکری از انبیاء ابراهیمی نشده است.

آخرت شناسی آیین زرتشت

آیین زرتشت، از آیین های ایران باستان، یعنی ایران پیش از اسلام، است. مؤسس یا پیامبر این آیین، زردشت (دارنده شتر زرد) نام دارد که بنابر قول مشهور قدمت آن به 660 قبل از میلاد می-رسد. این آیین، امروزه پیروان زیادی ندارد و بیشتر آنان در هندوستان که به پارسیان هندی معروف اند و برخی شهرهای ایران مانند تهران، کرمان، یزد و شیراز زندگی می کنند.

این آیین نیز مانند سایر ادیان، حیات پس از مرگ و بقای روح انسان و در نتیجه روز جزا و اجرای عدالت در سرای دیگر را می پذیرد. براساس آموزه های این آیین، روح انسان پس از کوچ از این دنیا، مراحل را طی می کند که عبارتند از: جدایی روح از تن (مرگ)، داوری انفرادی، عبور از پل، بهشت، دوزخ و برزخ، روز قیامت، تن پسین، داوری نهایی و جمعی، گذشتن از آزمایش .ایزدی، فرشگرد (عمل تازه و نو کردن کل هستی)

تفصیل مطلب اینکه بر اساس تعالیم زرتشت انسانی که دچار مرگ جسمانی شده است، روحش از تن جدا می‌شود و به مدت سه روز در اطراف جسد باقی می‌ماند و درباره اعمال گذشته‌اش می‌اندیشد. بامداد روز چهارم، روح انسان جسد را به کلی ترک می‌کند و راهی جهان دیگر می‌شود. در این سفر روحانی، اعمال افراد به صورت دختری زیبا یا پیر زنی فرتوت و ترشرو بر او ظاهر می‌شوند و او را تا رسیدن به مقصد همراهی می‌کنند.

ارواح مردگان پس از ورود به عالم دیگر، برای قضاوت و داوری انفرادی در محضر عدل اهورامزداپی حاضر می‌شوند. در این مرحله ایزد رشن با ترازوی خویش اعمال نیک و بد انسان را که قبلاً توسط موکلانش در طول زندگی مادی ثبت و ضبط شده‌اند، می‌سنجد.

پس از داوری انفرادی، نوبت به عبور از پلی به نام «چینوات» که برای جداسازی نیکان و بدان به وجود آمده است، می‌رسد. همه افراد برای رسیدن به بهشت و دوزخ باید از این پل عبور کنند. کسانی که ثوابشان بیشتر و سنگین‌تر باشد، پل زیر پایشان گسترده و پهن می‌شود و به راحتی و به سلامت از آن می‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند، ولی افرادی که گناهشان سنگینی بکند، پل زیر پایشان بسان شمشیر بر آن در می‌آید و نمی‌توانند از آن عبور کنند و در نتیجه به دوزخ که زیر پل است، سرنگون می‌شوند. اما آنان که گناه و ثوابشان برابر باشد تا روز رستاخیز در محلی به نام «همیستگان (برزخ)» به سر می‌برند و معذب می‌شوند. زمانی رستاخیز می‌شود که آخرین موعود زرتشتی به نام «سوشیانس» ظهور می‌کند و دوران نه هزار ساله گیتی به پایان می‌رسد. در روز رستاخیز، ارواح مردگان به همراه بدن هایشان مجدداً برای قضاوت عمومی و کلی در محضر عدل اهورایی حاضر می‌شوند. پس از این قضاوت و داوری، نیکان و بدان با تن و جسم خود وارد دوزخ و بهشت می‌شوند. مجرمان به مدت سه روز مجازات می‌شوند. مجازات بدکاران چنان سخت است که به نظر آنان نه هزار سال جلوه می‌کند. پس از پایان سه روز نهایی، شهابی از آسمان فرومی‌افتد و زمین و مافیها را ذوب می‌کند و سیلی سوزان از فلزات گداخته بر روی زمین جاری می‌شود و نیکان و بدان هر دو باید از این سیل بگذرند. عبور از این سیل «آزمایش ایزدی» خوانده می‌شود و گناهکاران، با عبور از آن، گناهانشان زایل می‌شود و از آن به بعد نیک و بد یکی می‌شود و همه از پارسایان به شمار می‌روند، با این تفاوت که شادی پارسایان واقعی به مراتب زیاده‌تر از شادی گناهکارانی است که به سبب مجازات و عقوبت پاک شده‌اند.

سرانجام، اهورامزدا پس از انجام آزمایش ایزدی به کمک روان‌های نیکان و موجودات اهورایی که اعمال رستاخیز را بر عهده دارند، اهریمن را در نبرد نهایی شکست می‌دهد و از بین می‌برد. با از بین رفتن اهریمن و ابزارهایش، جهان خلقت اهورایی و آن گاه عمل فرشگرد آغاز می‌شود، به این معنا که عالم فراخ و همه جا بهشت می‌شود. از آن روز به بعد، مردمان به دور از پیری، بیماری^[11] و درد و مرگ در این سرزمین فرشگردی، جاودانه خواهند زیست

شایان ذکر است که زرتشتیان رستگاری در هر دو جهان را از آن کسانی می‌دانند که با اندیشه، گفتار و کردار نیک زیسته‌اند. یعنی هر کس با ابزارهای اهورایی که برای شناسایی خوب و بد در اختیار دارد، می‌تواند با انتخاب اندیشه، گفتار و کردار نیک در این جهان، سرنوشت روانش را در زندگی بعدی رقم بزند. به عبارت دیگر، زرتشتیان معتقدند که «هر کسی آن درود عاقبت کار که^[12]» کشت

سخن آخر در باب آخرت شناسی زرتشتیان این است که پیروان آیین زرتشت، جسد مرده را به آب، خاک و آتش نمی‌سپارند، چون آنها را مقدس می‌دانند، بلکه آنان تا چندی پیش اجساد را به دور از مردم بر بالای کوه در جاهایی که آنها را «برج خاموشان» می‌گفتند قرار می‌دادند تا طعمه عقابان و کرکسان و سایر لاشخوران گردد. پس از مدتی استخوانهای مردگان را گرد آورده در چاهی که آن را «استودان (استخواندان)» گویند می‌ریختند و آن استخوانها در آنجا می‌ماندند و می‌پوسیدند. ولی اکنون آنان مردگان خود را در برج خاموشان یا در دخمه نمی‌گذارند، بلکه بالغ بر چهل سال است که مردگان را در اطاقهای کوچک ساخته شده از سیمان در محلی به نام «قصر^[9]». فیروزه» در شرق تهران می‌گذارند^{۱۳}

¹¹ باقری، مهری؛ دین‌های ایرانی پیش از اسلام؛ تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول، 1376، صص 54-57.

¹² مهر، فرهنگ؛ دیدی نو از دینی کهن (فلسفه زرتشت)؛ تهران: نشر جامی، چاپ اول، 1374، صص 96 - 94.

¹³ بنی‌حسین، محمد صادق؛ ادیان و مذاهب جهان؛ جلد دوم، قم: مولف، چاپ اول، 1372، ص 894.

جهان ابدی در آئین حضرت موسی (علیه السلام)

جهان ابدی در آئین حضرت موسی (علیه السلام): آئین حقیقی و بدون تحریف حضرت موسی (علیه السلام) و کتاب آسمانی که از ناحیه خدا بر آن حضرت نازل شده بی شک درباره جهان ابدی و زندگی پس از مرگ، بیاناتی داشته و دارد که اکنون دچار تحریف گشته و همان عواملی که باعث تحریف آئین واقعی حضرت موسی (علیه السلام) شده، سبب گردیده که مباحث مربوط به جهان ابدی و عالم پس از مرگ، نیز دستخوش تحریف واقع شود و از آئین حقیقی او حذف گردد.

موسی (علیه السلام) فرزند کوچک عمران و از نسل حضرت ابراهیم و یعقوب (علیهما السلام) است. مادرش «یوکابد» و در سال 1571 قبل از میلاد در مصر متولد شد و در سال 1451 قبل از میلاد روی تل سرخ رنگی به نام «فسجه» در سرزمین فلسطین وفات کرد و در همانجا مدفون گردید.

این پیغمبر بزرگوار که دارای یک زندگی پر ماجرا و حیرت آوری است، بنیان گذار شریعت و آئین متینی به نام «آئین یهود» است که متأسفانه دست فاسد روزگار و اغراض فاسده، غبار تحریف بر روی آن نشانیده و آن را از اعتبار ساقط کرده است.

کتابی که از ناحیه پروردگار بر موسی (علیه السلام) نازل شد «تورات» نام دارد که به زبان «عبری» یعنی شریعت و ناموس است، و قرآن نیز در آیه 91 از سوره انعام و آیه 47 از سوره مائده آن را هدایت و نور خوانده است.

و اما مجموعه ای که اکنون به نام تورات، مورد احترام یهود و نصارا است عبارت است از پنج «سفر» یعنی کتاب، که آن کتاب آسمانی واقعی که بر حضرت موسی (علیه السلام) نازل شد نیست.

و آن پنج سفر یعنی کتابهای موجود که در اختیار یهودیها می باشد عبارتند از:

1- سفر تکوین یا سفر پیدایش که از تاریخ اول خلقت، تا وفات یعقوب گفتگو می کند و دارای پنجاه باب است.

2- سفر خروج، یعنی خروج بنی اسرائیل از مصر و بودن آنان در صحرای «سینا» و دارای سی و چهار باب است.

3- سفر احبار، که درباره تنظیم احکام دینی و شرایع و قواعد و حدود سبط لاوی است و دارای بیست و هفت باب است.

4- سفر اعداد که از سفرهای بنی اسرائیل در بیابان «تیه» و فتح سرزمین کنعان گفتگو می کند و دارای سی و شش باب است.

5- سفر تثئیه که راجع به شرایع و احکام عمومی صحبت می کند و دارای سی و چهار باب است.

به فرموده قرآن مجید معاد از نخستین پیام‌های حضرت موسی (علیه السلام) است، اما در تورات فعلی، به جز یکی دو مورد، اشاره مبهم^۲ و تنها یک بار اشاره‌ای نسبتاً روشن^۳، از قیامت سخنی نیست.^۴

از سوی دیگر، کتاب تلمود از معاد بسیار سخن گفته است. فرقه منقرض شده صدوقیان که سنت شفاهی (تلمود) را قبول نداشتند، منکر قیامت بودند، ولی فریسیان به قیامت معتقدند و به بهشت و جهنم عقیده دارند.

جهنم در عبری، «گِیهَنوم» به معنای «دره هیئوم»، اسم مکانی در بیرون اورشلیم، بوده است. در آن مکان، بتی به نام «مولک»^۵ وجود داشته است که بنی اسرائیل در برهه‌ای از زمان، در گودالی جلو آن آتش می‌افروخته‌اند و کودکان خود را طی مراسمی در آتش می‌انداختند تا قربانی بت مذکور شود.

اعتقاد به رستاخیز مردگان یکی از باورهای اصیل یهودیت است که به تصور پژوهشگران، آن را از بیگانگان گرفته‌اند. به گفته پژوهشگران، اعتقاد به جاودانگی روح از قدیم میان بنی اسرائیل وجود داشته و در چندین مورد از کتاب مقدس به آن اشاره شده است، ولی آن باور پس از بازگشت از بابل منجر به اعتقاد به رستاخیز مردگان شد.

موسی بن میمون (۱۲۰۴ - ۱۱۳۵ م) اعتقاد به رستاخیز مردگان را یکی از اصول اساسی آیین یهود شمرد و در باره آن نوشت:

شخصی که به رستاخیز معتقد نباشد، دین واقعی ندارد و قطعاً به یهودیت معتقد نیست. همه مردم می‌میرند و جسمشان متلاشی می‌شود، اما رستاخیز برای پارسایان، ذخیره شده است.^۶

۱.. قرآن مجید از این امور بسیار سخن گفته است.

۲.. تثنیه ۸: ۱۶.

۳.. دانیال ۱۲: ۲.

۴.. تعبیر کلی آخرت در تثنیه ۸: ۱۶ و مراثی ارمیا ۴: ۱۸، آمده است که به معنای «عاقبت دنیوی» است.

۵.. Molech, Moloch.

۶.. یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۱، ص ۱۰.

جناب دکتر جواد مشکور در کتاب خلاصه ادیان و جناب حسین توفیقی در کتاب آشنایی با ادیان

بزرگ در مورد اعتقاد یهودیان به رستاخیز بر این نکته تصریح می‌کنند که در تورات و بلکه در

کلّ عهد عتیق یهودیان اشاره روشنی به آخرت و روز جزا وجود ندارند؛ و تعبیر آخرت که در

چند جای عهد عتیق آمده است دلالتی بر معاد پس از مرگ ندارد بلکه به معنای عاقبت دنیوی

اعمال است. این دو محقق همچنین متذکر شده‌اند که اعتقاد به معاد در قوم یهود اعتقادی

وارداتی است؛ و یهودیان این عقیده را پس از آزادیشان از اسارت بابل به دست کورش، از

زرتشتیان فرا گرفته‌اند. (ر.ک: خلاصه ادیان، دکتر محمد جواد مشکور، ص ۱۳۴ و ۱۴۲ و

آشنایی با ادیان بزرگ؛ حسین توفیقی؛ ص ۱۱۰)

اما در کتاب تلمود که از کتب مذهبی یهود است از معاد بسیار سخن گفته شده است. کتاب تلمود در واقع تفسیر و تأویل تورات است و توسط دانشمندان یهودی در طول تاریخی طولانی جمع آوری شده است؛ و پیدایش آن بنا به برخی اقوال نزدیک به هزار سال بعد از حضرت موسی (ع) بوده است؛ و بنا به برخی اقوال دیگر پیدایش آن بعد از حضرت عیسی بوده است. این کتاب مورد قبول فرقه فریسیان است ولی فرقه صدوقیان که الان منقرض شده است آن را قبول نداشتند. در این کتاب معاد جزء اصول دین یهودیان معرفی شده و انکار آن گناهی بزرگ شمرده شده است. در تلمود چنین آمده است: «کسی که به رستاخیز مردگان معتقد نباشد و آن را انکار کند از رستاخیز سهمی نخواهد داشت»

محدوده معاد در دین یهود

بین علمای یهود بر سر این که آیا معاد برای همه افراد بشر است یا تنها شامل حال برخی افراد است اختلاف نظر وجود دارد؛ بعضی از آنها معتقدند که معاد برای همه مردگان است؛ ولی برخی دیگر معاد را مختص یهودیان می دانند؛ و عده ای دیگر گفته اند حتی یهودیانی هم که لیاقت و امتیازات لازم را در دنیا کسب نکرده اند از زندگی بعد از مرگ محروم خواهند بود.

معاد روحانی یا جسمانی

از مجموع نوشته های علمای یهود استفاده می شود که آنها معاد را جسمانی می دانند؛ گرچه در نحوه این معاد جسمانی بین علمای یهودی اختلاف نظر وجود دارد.

حاصل سخن:

از مطالبی که ذکر شد به دست می آید که در تورات نص صریحی بر معاد نیست بلکه اشاراتی است که بعضی دلالت آنها بر معاد را پذیرفته و بعضی دیگر آن را انکار کرده اند بنابراین بحث معاد در بین علمای یهود خصوصاً یهودیان اولیه محل اختلاف است و ثانیاً فرقه ای که قائل به معاد هستند آن را جزء اصول دین یهود می دانند و لیکن در اینکه آیا برای همه است یا بعضی افراد اختلاف دارند و ثالثاً معتقدین به معاد از یهود، معاد را جسمانی می دانند نه روحانی.

(منابع مطالب فوق: کتاب افتخار اسلام به سایر ادیان؛ تألیف محمد صادق فخر الاسلام ص 129 به بعد - کتاب گنجینه ای از تلمود ص 362 به بعد - کتاب خلاصه ادیان؛ ص 134 به بعد)

آخرت شناسی یهودیت

به نظر می‌رسد که قابل اعتمادترین مدرک برای کسب اطلاعاتی صحیح درباره آخرت شناسی یهودیت دو کتاب مقدس آنان، «تنخ» (عهد عتیق) و «تلمود»، است

از بررسی کتاب «تنخ»، خصوصاً بخش اسفار خمسه تورات، چنین برمی‌آید که این کتاب فاقد هر صریح و روشن نسبت به عالم آخرت است. با وجود این، در بخش های دیگر کتاب گونه اندیشه مذکور عبارات و تعابیری به کار رفته که به نحو ضمنی بر جهان بازگشت و عالم پس از مرگ دلالت دارند. لیکن، همان مطالب مطرح شده غالباً متفرق، محدود و مبهم بوده و تحت عناوین «داوری»، «نجات»، «ابدالآباد»، «پیوستن اسماعیل بعد از مرگ به نیاکان و اجداد خود» و... آمده [12].^{۱۴}

بنابراین، از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که در خود کتاب مقدس یهودیان تصویر روشنی از جهنم و بهشت وجود ندارد و نظریه رستاخیز در دوران بعد از کتاب مقدس مطرح شده است. اما در «تلمود» که تفسیر و تأویل تورات است، اعتقاد به رستاخیز از اصول دین و ایمان یهودی معرفی می‌شود و انکار آن گناهی بزرگ و نابخشودنی انگاشته می‌شود. با این حال، گروهی از یهودیان به نام صدوقیان عقیده به رستاخیز مردگان را مردود می‌دانستند؛ زیرا معتقد بودند که از این موضوع در اسفار خمسه تورات سخنی به میان نیامده است

از این یک مورد که بگذریم بقیه یهودیان اصل اعتقادی رستاخیز را باور دارند. با وجود این، در جزئیات مسأله رستاخیز دیدگاههای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. گروهی از یهود رستاخیز را از آن همه و گروهی دیگر زندگی آینده و پاداش را از آن عادلان و نیکوکاران می‌دانند و معتقدند که شریران و بدکاران با مرگ جسمانی برای همیشه نابود خواهند شد. افزون بر این، معتقدند که واقعه

عظیم و شگرف رستاخیزِ مردگان در ارض مقدّس فلسطین رخ خواهد داد و مردگانی که خارج از ارض مقدّس باشند و در عین حال مستحقّ پاداش باشند، اجسادشان باید قبل از رستاخیز به ارض [13]. مقدّس انتقال یابند¹⁵

حاصل آنکه، اطلاعات صحیح و روشن در باب آخرت شناسی یهودیت در کتاب مقدّس یهودیان یافت نمی‌شود. اما وقتی که کتاب تلمود را بررسی می‌کنیم صرفنظر از اختلاف نظرهایی که در جزئیات امر در بین گروههای مختلف یهودی وجود دارند می‌توانیم به تصویری نسبتاً روشن از روز داوری، رستاخیز مردگان، محاسبه اعمال نیک و بد انسان‌ها توسط خداوند و بهشتی یا جهنمی شدن انسان‌ها براساس اعمال نیک و بدشان در این دنیا دست یابیم.

عالم آخرت در آئین حضرت عیسی (علیه السلام)

عالم آخرت در آئین حضرت عیسی (علیه السلام): آئین مسیحیت، بر خلاف دیانت یهود، پیروان خود را از دلبستگی به مادیات و مظاهر زندگی مادی بر حذر داشته و بیشتر آنها را به نعمتهای اخروی و حیات جاودانی نوید می دهد.

حضرت عیسی (علیه السلام) فرزند مریم در سال 580 قبل از هجرت به طور خارق عادت بدون پدر متولد شد و در سال 547 قبل از هجرت به طرف آسمان بالا رفت و اکنون زنده است.

این پیغمبر بزرگوار، دارای کتابی است که خداوند، برای رفع نیازمندی های همه جانبه بشر، آن را بر آن حضرت نازل فرموده است. نام کتاب آن حضرت «انجیل» است که در اصطلاح یونانی به معنی مژده و بشارت است.

و شاید از این جهت آن کتاب موسوم به این نام گردیده که در آن از آمدن پیغمبری بزرگ که مکمل حکمتها و احکام است خبر داده، همچنانکه در انجیل «یوحنا» با همه تحریقاتی که در آن، به عمل آمده در باب 14 آیات 15 تا 17 به این بشارت تصریح شده و قرآن نیز آن را در سوره صف آیه 6 این طور نقل می کند:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»

یعنی ای بنی اسرائیل، همانا من فرستاده خدا به سوی شما هستم، و به توراتی که در برابر من است معتقدم و آن را قبول دارم و شما را به پیامبری که بعد از من خواهد

آمد و نامش احمد است بشارت می دهم.

اما در اصطلاح مسیحیان انجیل نام مجموعه ای از داستانها است که پس از حضرت مسیح (علیه السلام) توسط افرادی از شاگردان آن حضرت جمع آوری و تألیف گردیده است.

گرچه تعداد انجیلهای منسوب به حضرت عیسی (علیه السلام) از صد هم تجاوز کرده است ولی دستگاه روحانیت مسیحی جز چهارتای آنها را به رسمیت نشناخته و آن چهار انجیل عبارتند از: 1- انجیل متی 2- انجیل مرقس 3- انجیل لوقا 4- انجیل یوحنا.

و نیز لازم به تذکر است که انجیلهای نامبرده، انجیل اصلی و کتابی که از ناحیه خدا بر حضرت عیسی (علیه السلام) نازل شده نیست و انجیلهای فعلی ساخته و پرداخته افراد بشر است نه فرستاده از ناحیه خالق بشر.

آنچه از کتاب مقدس و کتبی که درباره مسیحیت نوشته شده به دست می آید این است که همه مسیحیان معتقد به رستاخیز هستند و اعتقاد به رستاخیز را از اصول دین می دانند. در مورد جسمانی یا روحانی بودن معاد از دیدگاه دین مسیحیت، شیخ مجد صادق فخر الاسلام در کتاب «افتخار اسلام بر سایر ادیان» صفحه 120 می نویسد: «اقرار به معاد و حشر جسمانی از ضروریات دین نصاری و مجمع علیه جمیع فرق ایشان است و در این مسئله با ما هیچ اختلافی ندارند و اقرار به حشر جسمانی مخصوص علیه اناجیل است در مواضع کثیره.» و ایشان شش مورد از مواردی را که در اناجیل مختلف تصریح به جسمانی بودن معاد است ذکر می فرمایند. اما این نکته لازم به یادآوری است که اگرچه علمای مسیحی و اناجیل تصریح به جسمانی بودن معاد دارند ولی درباره لذت و آلام و عذاب اخروی می گویند در قیامت لذت و عذاب روحانی است نه جسمانی؛ و این یکی از صدها موارد تناقض در عقائد مسیحیت است. (همان، ص 121)

شایان ذکر است که گروهی از خداپرستان لیبرال و نوارتدکس این گونه تصریحات کتاب مقدس مسیحیان را انکار و قائل به روحانیت معاد شده اند.

مسئله دیگری که نباید از آن غفلت کرد مسئله رستاخیز حضرت مسیح است که نصاری به آن قائلند ؛ اینها معتقدند که حضرت مسیح کشته شد ولی بعد از مرگ دوباره زنده شد ؛ و این رستاخیز در همین دنیا و جسمانی بود؛ و بر این مطلب در موارد متعددی از انجیل تصریح شده است. (انجیل یوحنا 23/1، مرقس 15/45، مثنی 9/28، لوقا 24/34 و یوحنا 20/25 و ...) بنا بر این مسئله رستاخیز مسیح را نباید با مسئله معاد در مسیحیت خلط نمود. مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی مسیح - که به اعتقاد آنها همان خداست که به صورت بشر در آمده است - از آسمان فرود خواهد آمد و هزار سال در زمین حکومت خواهد کرد ؛ و بعد از هزار سال روز داوری فرا خواهد رسید و مسیح ، قیامت را برپا خواهد نمود و بین مردم داوری خواهد نمود ؛ و گروهی را به بهشت و گروهی را به جهنم خواهد فرستاد. برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمایید:
 -درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت ؛ تألیف مجد رضا زیبایی نژاد
 -کلام مسیحی ؛ تألیف توماس میشل ؛ ترجمه حسین توفیق

آخرت شناسی مسیحیت

آخرت شناسی مسیحیان ریشه در «کتاب مقدس» (عهد جدید و عهد عتیق) آنان دارد و نسبت به آخرت شناسی یهودیان زنده و روشن است. با وجود این، در کتاب مقدس مسیحیان درباره کم و کیف حقایق پس از مرگ خصوصاً بهشت و جهنم کمتر سخن رفته است مطالبی که در «کتاب مقدس» مسیحیان در باب جهان آخرت عنوان شده، غالباً تحت عناوین گوناگونی مانند روز رستاخیز، کیفر و جزا، [15]. داوری، آمرزش گناهان، ملکوت آسمان، حیات جاویدان، جهنم و ... آمده است¹⁶

آخرت شناسی مسیحیان را با همه ابهاماتی که دارد اجمالاً می‌توان به شرح زیر به تصویر کشید

مسیحیان معتقدند که ارواح آدمیان با مرگ جسمانی از بین نمی‌روند، بلکه باقی می‌مانند و بلافاصله برای قضاوت و داوری اولیه (داوری خاص) در محکمه عدل الهی حاضر می‌شوند. این داوری بر طبق اعمال نیک و بد افراد در زندگانی مادی صورت می‌گیرد. در این مرحله، نیکان و پاکان به بهشت می‌روند و گناهکاران که زندگانی‌شان را در سرپیچی از امر خدا گذرانده‌اند، سریعاً به دوزخ فرستاده می‌شوند. اما کسانی که تکلیفشان مشخص نیست، یعنی کسانی که در زندگانی زمینی‌شان به گناه آلوده شده‌اند و در عین حال خالصانه توبه و اظهار ندامت کرده‌اند، ابتدائاً بهبرزخ فرستاده می‌شوند و پس از پاک شدن به بهشت می‌روند

اما داوری نهایی (داوری عام) پس از رستاخیز مردگان انجام می‌گیرد. رستاخیز مردگان زمانی روی می‌دهد که دنیا به پایان برسد و دنیا زمانی به پایان می‌رسد که به خواست و اراده الهی عیسی مسیح به عنوان داور نهایی دوباره ظهور کند و انجیل را تعلیم جهانی دهد و همه یهودیان به آیین مسیحیت بگروند

در این رستاخیز، ارواح تمام انسان ها به همراه بدن هایشان با همه ویژگی های خود زنده می گردند و در برابر خدا برای ارزیابی و داوری نهایی، بر اساس اعمالشان در زندگی دنیوی حاضر می‌شوند. در این داوری، کسانی که اعمالشان بر طبق تعالیم عیسی بوده باشد، به بهشت می روند و کسانی که بی تقوا و گناهکار باشند، مستوجب عقوبتند و به دوزخ فرستاده می‌شوند. دوزخ مکان کیفر ابدی و جدایی [16]. دائمی از خداوند است و بهشت مکان یا وضع و حال سعادت‌آمیز از طریق قرب الهی است¹⁷

برای توضیح بیشتر لازم است به کتابهای: «الهدی الی دین المصطفی»، «مسیح کیست و انجیل چیست؟»، «فرهنگ قصص قرآن» و «تاریخ ادیان» دکتر ترابی مراجعه شود.

معاد از نظر اسلام

¹⁶ کتاب مقدس؛ انجیل یوحنا: 6/ 39، 44، 54؛ انجیل لوقا: 14/ 14؛ انجیل مثنی: 12/ 36؛ انجیل مرقس: 3/ 28؛ انجیل لوقا: 22/ 29، 30؛ انجیل مثنی: 19/ 16 و 17؛ انجیل مثنی: 18/ 16.

¹⁷ دین شناسی تطبیقی؛ صص 167 - 165.

، قرآن دارای 6666 آیه است که در حدود 1400 آیه آن مربوط به عالم پس از مرگ است در حالی که آیات مربوط به بیان احکام و مقررات فردی و اجتماعی که به نام «آیات الاحکام» نام گذاری شده، از پانصدتا تجاوز نمی کند.

روی این حساب، به طور قطع می توان ادعا کرد که از نظر قرآن هیچ موضوعی مانند مبدأ و معادشناسی این چنین دارای اهمیت نیست.

و نیز به طوری که می دانیم اسلام، ارکان و پایه های دین خود را سه چیز قرار داده: 1- اعتقاد به خدا 2- اعتقاد به نبوت 3- اعتقاد به معاد.

که هرگاه کسی نسبت به یکی از اصول یاد شده مؤمن نباشد، کافر و از لیست مسلمانها خارج خواهد بود.

بنابراین همان گونه که منکر خدا و نبوت پیامبران الهی کافر است، منکر زندگی پس از مرگ و معاد روز قیامت نیز، بی بهره از دین و کافر خواهد بود.

جميع فرقه های اسلامی، در اصول عقائد دینی از خداشناسی گرفته تا معادشناسی همه با هم اتفاق نظر دارند و همین اتفاق نظر آنها است که آنان را در یک سلک تحت عنوان «مسلمان» جمع کرده است.

«وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ» 78 «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»⁽¹⁾.

یعنی: کسی که خلقت خود را فراموش کرده بود، مثالی زد و گفت: چه کسی این استخوان پودر شده را زنده می‌کند؟ بگو! آن کسی که روز اول آنرا ساخت و خلق کرد، دوباره او را زنده می‌کند و او بر هر خلقی آگاه است.

پنجمین اصل از اصول اعتقادی شیعیان و سومین اصل از اصول اعتقادی اهل تسنن، اعتقاد به معاد است. همچنین جزء اصول مسیحیان و بعضی از ادیان دیگر اعتقاد به معاد است.

معاد یعنی بعد از مردن انسان‌ها، در هنگام برپایی قیامت شاهد زنده شدن انس و جن و حضور در دادگاه عظیم الهی و سپس رسیدن به پاداش و مجازات اعمال خواهیم بود.

علماء کلام و اصول اعتقادات، چند دلیل برای وجود جهان پس از مرگ را اقامه می‌نمایند. اگر از آنها پرسیده شود: به چه دلیل، روز قیامت باید باشد و به چه دلیل، بهشت و جهنم وجود دارد می‌گویند:

1 - عدالت خداوند: ما معتقدیم که خداوند سبحان عادل است. از طرفی انسانها، یا مؤمنند و یا کافر هستند! عدالت خدا، اقتضاء می‌کند که مؤمن را پاداش دهند و کافر را عقاب نمایند! و در عالم دنیا، مجالی نیست که این عدالت، اجرا شود. پس باید، جهانی دیگر باشد، تا نیکوکار را پاداش و معصیتکار را عقاب نمایند!

2 - حکمت پروردگار: آیا خداوند، این جهان و مخلوقاتش را عبث و بیهوده، خلق نموده است آیا خداوند سبحان انس و جن را آفرید تا گروهی از آنان اطاعت او را بکنند و گروهی دیگر، او را نافرمانی کنند ولی با مردن آنان، همه چیز تمام شود آیا هدف از خلقت، آن است که ما انسانها، مدتی را در این دنیا عمر سپری کنیم و بعد با مردن فانی شویم؟ و آیا این آسمانها و زمینها و مخلوقات دیگر، بدون هدف و حکمت، خلق شده‌اند؟ این از

1. سوره یس، آیه 79.

خداوند حکیم و مدبر، منتفی است .

3 - هشدار پیامبران و کتب آسمانی: از ابتدای خلقت تا کنون، هزاران پیامبر و وصی پیامبر، اعلام کرده‌اند که روز قیامت وجود دارد! دادگاه الهی و محاسبه اعمال اجرا می‌گردد! انس و جن، دوباره زنده گشته و مشمول بهشت و نعمت‌هایش و یا جهنم و عذاب‌هایش، می‌گردند اگر با این اخبار، به یقین نرسیم، لااقل عقل ما احتمال صحت این هشدارها را میدهد و باید ضرر محتمل را که مشمول عذاب شدن است را بدهیم!

4 - آیات بیشماری در قرآن کریم بر معاد دلالت دارد و خداوند سبحان کسانی را که قیامت را انکار کنند به عذاب دردناک تهدید نموده است.

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا عَلِيمًا»⁽¹⁾.

یعنی: آنانی که به جهان دیگر اعتقاد ندارند، برای آنان عذاب دردناک است .

5 - هزاران روایت و حدیث نیز درباره حوادث پس از مرگ، رجعت، نفخ صور و برپایی دادگاه عظیم قیامت و بهشت و جهنم، وجود دارد .

6 - همه پیامبران بر وجود قیامت و عالم پس از مرگ تاکید نموده‌اند و در کتابهای آسمانی این مطلب نقل شده است .

7 - افرادی بوده‌اند که پس از مرگ بدلایلی زنده شده‌اند و دنیا برگشته و مدتی ولو کوتاه زندگی نموده‌اند .

از جمله هفتاد نفر از همراهان حضرت موسی علیه‌السلام که تقاضای دیدار با خداوند سبحان را کرده بودند بوسیله صاعقه مردند . اما با درخواست حضرت موسی علیه‌السلام ، خداوند سبحان آن‌ها را زنده کرد .⁽²⁾

جوانی در بنی اسرائیل بوسیله فرد ناشناسی کشته شد و نزدیک بود که درگیری طایفه ای در بنی اسرائیل اتفاق بیافتد که خداوند سبحان به موسی علیه‌السلام دستور داد تا گاوی را کشته و دُم آن را به جنازه بزنند . این کار را کردند و جوان مقتول زنده شد و قاتل خود را معرفی نمود و مدتی هم زندگی کرد .⁽³⁾

1 . سوره اسراء، آیه 10.

2 . سوره بقره، آیه 55.

3 . سوره بقره، آیه 72.

هزاران نفر برای این که گرفتار طاعون نشوند از شهر خود فرار کردند ولی در حال فرار مردند . حضرت حزقیل وقتی با جنازه آنها برخورد کرد دعا کرد تا خداوند سبحان آنها را زنده نماید . خداوند سبحان دعایش را مستجاب کرد و آنها زنده شده و ادامه زندگی دادند .⁽¹⁾

عزیز نبی در سن پنجاه سالگی در محل استراحت خود مرد و بعد از صد سال زنده شد .⁽²⁾

حضرت عیسی علیه السلام مردگانی را زنده کرد از جمله مادرش مریم علیها السلام را و همچنین رفیقی که حضرت داشت و مرده بود و دختر شخص روستایی و غیره .⁽³⁾ اصحاب کهف بعد از سیصد و نُه سال زنده شدند .

زنده شدن دو کودک سربریده: روزی یکی از انصار، پیامبر را به منزلش دعوت نمود . برای میهمانی یک بزغاله ای را سربردند و میزبان به مسجد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت . دو تا از کودکان این مرد، وقتی سر بردن بزغاله را دیدند، یکی به دیگری گفت بیا تا منهم تو را سربرم ! او هم قبول کرد و پسر دیگر سر او را ذبح کرد ! در همین موقع مادرشان متوجه شد و فریادی کشید ! کودک قاتل از ترس به بالای پشت بام رفت ولی از آنجا پرتاب شد و مرد ! مادرشان جسد این دو را پنهان نمود و به شوهرش چیزی نگفت . وقتی پیامبر آمد و برای او سفره انداختند، جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله ! از آنها بخواه تا فرزندانشان را سر سفره دعوت کنند !

پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را از آنان خواست و پدر هم سراغ بچه هایش را از مادرشان گرفت ولی او گفت که جایی رفته اند و الان نیستند . با اصرار پیامبر و پدر دو کودک، زن ماجرای کشته شدن فرزندانشان را تعریف کرد .

حضرت دستور داد که جسد آنان را بیاورند . وقتی آوردند، پیامبر دعا کرد و هر دو زنده و سالم شدند و سر سفره نشستند .⁽⁴⁾

1 . سوره بقره، آیه 243.

2 . سوره بقره، آیه 259.

3 . سوره آل عمران، آیه 49.

4 . منتهی الامال، ج 1، ص 78.

زنده شدن سام !

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله عده ای از یمن نزد حضرت آمدند و گفتند:

ما باقیمانده ملتهای گذشته از آل نوح علیه السلام هستیم . حضرت سام علیه السلام که جانشین نوح علیه السلام بوده است در کتابش آورده که هر پیامبری جانشینی دارد . جانشین شما کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام اشاره کرد .

گفتند اگر از او معجزه ای بخواهیم می تواند انجام دهد؟

پیامبر ص فرمود، با اذن الهی آری ! سپس حضرت به علی علیه السلام فرمود با آنان به مسجد برو و پایت را به زمین نزدیک محراب بزن !

علی علیه السلام همراه آنان به مسجد رفت و دو رکعت نماز خواند و سپس پایش را بر زمین نزدیک محراب زد . ناگاه زمین باز شد و تابوتی ظاهر گشت و از میان تابوت،

پیامبری که صورتش مثل ماه می درخشید و خاک از سر و صورتش می تکاند و ریش بلندی داشت، بیرون آمد و گفت:

«اشهد أن لا إله إلا الله و اشهد أن محمداً رسول الله سيد المرسلين و أنك على وصي محمد سيد الوصيين وانا سام بن نوح»!

در این موقع آنان کتابهای خود را باز کردند تا قیافه سام را با آنچه در کتاب آمده مطابق دیدند .

آنها گفتند: ای سام ! ما خواستار خواندن سوره‌ای از کتاب نوح علیه السلام هستیم !

سام شروع به خواندن سوره‌ای کرد و سپس بر علی علیه السلام سلام کرد و در تابوت خوابید و زمین بر هم آمد و مثل سابق شد .

آنها با دیدن این معجزه گفتند: تنها دین در نزد خداوند سبحان اسلام است .⁽¹⁾

نشان دادن علی علیه السلام بعد از شهادتش

بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ، عده‌ای نزد امام حسن علیه السلام آمدند و درخواست کردند که: از آن معجزاتی که پدرت داشت، تو هم یکی بما نشان بده !

امام فرمود: آنگاه ایمان می آورید؟

گفتند: آری ! بخدا سوگند ایمان می آوریم .

حضرت گوشه پرده را کنار زدند . ناگاه مردم مشاهده کردند که علی علیه السلام در آنجا نشسته است .

امام فرمود: این شخص را می شناسید؟

گفتند: آری این امیرمؤمنان علی علیه السلام است . ما همگی شهادت می دهیم که تو حجت بر حق خدایی و تو بعد از علی علیه السلام امام هستی . همانطور که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ، علی علیه السلام او را در مسجد قبا به ابوبکر نشان داد، تو هم امیرمؤمنان را بما نشان دادی .

امام فرمود: مگر سخن خداوند سبحان را در قرآن نخوانده اید که می فرماید:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»⁽¹⁾ (به کشته های در راه خدا مرده نگوئید بلکه آنان زنده بوده ولی شما متوجه نمی شوید)

وقتی که شهداء این مقام را داشته باشند که بعد از شهادت زنده باشند، درباره ما چه می توانید بگویید؟

همگی گفتند: ای فرزند رسول خدا ! ما ایمان آوردیم و تو را تصدیق می کنیم .⁽²⁾

زنده شدن پیرزن !

یحیی بن امّ الطویل می گوید:

ما نزد امام حسین علیه السلام بودیم که جوانی گریه کنان نزد امام حسین علیه السلام آمد و گفت:

مادرم از دنیا رفته ولی وصیتی نکرده است . فقط گفته است که در مورد اموالش به نظر شما عمل کنیم .

امام علیه السلام فرمود: بلند شوید تا بخانه او برویم .

ما هم با امام بخانه پیرزن رفتیم . وقتی داخل خانه آن زن شدیم، امام علیه السلام از خداوند سبحان خواستند تا او را زنده کند تا وصیت خود را انجام دهد .

ناگاه پیرزن زنده شد و بلند شد و نشست و شهادتین را بر زبان جاری کرد . سپس به امام گفت: ای مولایم ! داخل اطاق شوید و هر دستوری دارید بمن بفرمایید .

امام علیه السلام داخل اطاق شدند و به او فرمودند: خداوند سبحان تو را رحمت کند .

1 . سوره بقره، آیه 154.

2 . بحار، ج 43.

وصیتهای خود را بکن !

او گفت: ای فرزند رسول خدا ! من مقداری ثروت دارم که در فلان جا گذاشته‌ام و یک سومش در اختیار شما است تا به شیعیانت بدهی و دو سوم دیگر مال پسر من باشد بشرط اینکه از دوستان شما باشد . و اگر با شما اهل بیت علیهم السلام مخالفت کرد این دو سوم را هم شما بردارید و او حقی ندارد . سپس از امام درخواست کرد که بعد از مردن بر او نماز بخواند و کارهای بعد از مرگش را امام انجام دهد . این سخنان را گفت و مُرد .⁽¹⁾

نزدیک به هزار آیه در قرآن کریم مربوط به معاد است که از لحظات مردن تا عالم بزخ و روز قیامت و بهشت و جهنم سخن گفته . از جمله این آیات:

1 - همه موجودات به غیر از ذات اقدس الهی فانی می شوند . «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ 3f وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»⁽²⁾ یعنی هر که بر روی زمین است می میرد بجز خدای صاحب جلال و اکرامت .

2 - هر شخصی باید مزه مرگ را بچشد ! «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»⁽³⁾.

3 - مأمورین قبض روح، کفار را با شکنجه و مؤمنین را بشارت و سرور قبض روح می نمایند . «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا» قسم به فرشتگانی که جان کفار را با غضب می گیرند . و جان مؤمنین را با بشارت و رحمت می گیرند . «وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا» قسم به فرشتگانی که جان مؤمنین را با خوشی قبض می کنند .

4 - شیطان می خواهد مؤمن را در هنگام جان دادن گول بزند ! (خداوند سبحان اهل ایمان را در دنیا و آخرت ثابت قدم و استوار نگه می دارد .)⁽⁴⁾

1 . بحار، ج 44، ص 181.

2 . سوره الرحمن، آیه 26.

3 . سوره آل عمران، آیه 185.

4 . سوره ابراهیم، آیه 3.

مرگ از نگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، هر جنبنده‌ای، از جمله انسان، چشنده مرگ است و فقط تا مدّت معینی می‌تواند در این دنیا باقی بماند. با فرا رسیدن زمان مرگ، خدا یا ملک‌الموت یا دستیاران او روح آدمی را به تمامی می‌ستانند. البتّه، مرگ به معنای انعدام نیست، بلکه بازگشت به سوی خداست که با انتقال از نشئه دنیا و ورود به نشئه دیگر (آخرت) تحقّق می‌یابد^{۱۸}

قبر و عالم برزخ

پس از آنکه آدمی به عللی دچار مرگ جسمانی می‌شود، جسد او در صورتی که در دسترس باشد با آداب و تشریفات ویژه‌ای در حفره‌ای به نام قبر نهاده می‌شود. براساس اعتقادات اسلامی، روح انسان پس از جدایی از بدن در قالب بدن مثالی (برزخی)، که محصول اعمال و رفتار خود انسان است، قرار می‌گیرد و تا روز رستاخیز در عالمی به نام عالم برزخ [28] (قیامت صغری) به سر می‌برد. ورود به عالم برزخ به سبب قطع تعلّق از دنیا و عدم انس با عالم برزخ با سختی فراوان همراه است که به صورت فشار شدیدی برای انسان جلوه می‌کند و از این فشار به شب اوّل قبر یا عذاب قبر تعبیر می‌شود.

پس از ورود به عالم برزخ، دو فرشته به نامهای نکیر و منکر مؤمنان خالص و کفار محض را برای تثبیت اصول عقیدتی‌شان مورد سؤال قرار می‌دهند. آنگاه هر کسی، کم و بیش متناسب با اعمالش متنعّم یا معذب می‌شود^{۱۹}

نشانه‌های رستاخیز

طبق آیات قرآن، هنگامی که در آستانه روز رستاخیز قرار می‌گیریم، یک سلسله حوادث عظیم و دگرگونی و تغییر و تحوّل ناگهانی رخ می‌دهد که از نشانه‌های برپایی قیامت به حساب می‌آیند. اینک به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود. در آن روز آسمان به شدّت به حرکت درمی‌آید، از هم می‌شکافد، سست می‌شود، فرو می‌ریزد و به صورت فلز گداخته در می‌آید و چون روغن مذاب گلگون می‌شود. خورشید خاموش و ماه بی‌نور می‌گردند و نهایتاً به هم می‌پیوندند و ستارگان محو و تاریک می‌گردند. خلاصه اینکه، در آن روز آسمان چون طوماری در هم می‌پیچد^{۲۰}

اما زمین تکان می‌خورد و به لرزه درمی‌آید. کوهها از جای خود کنده شده به حرکت درمی‌آیند و سپس منهدم می‌شوند و به توده‌ای از شن متراکم و پشم‌زده شده تبدیل می‌شوند. پس از آن، به صورت غبار درمی‌آیند و متفرّق می‌گردند و نهایتاً از میان می‌روند و زمین صاف و هموار می‌شود. همچنین، دریاها شکافته می‌گردند و ... شعله ور می‌شوند و^{۲۱}

نفخ صور

یکی دیگر از نشانه‌های پیدایش رستاخیز، دمیدن در صور یا شیپور است که از آن به «نفخ صور» تعبیر می‌شود. قرآن کریم در آیات متعدد با عناوین مختلفی مانند صیحه، زجره، صاخّه و نقر به این حادثه تصریح کرده است. از نظر قرآن، دو بار در نفخ صور دمیده می‌شود که در نفخ اوّل، هر که در آسمان و زمین است جز آنکه خدا خواهد، بی‌هوش می‌شود. به عبارت دیگر، در این مرحله وضع کنونی این عالم برچیده می‌شود که به آن «نفخ موت» نیز می‌گویند. وقتی بار دیگر در صور دمیده می‌شود، همه آدمیان بر می‌خیزند و گذشتگان و آیندگان به هم می‌پیوندند و برای محاسبه اعمالشان آماده می‌شوند. از نفخ دوم با «نفخ بعث» یاد کرده اند^{۲۲}

رستاخیز عمومی

¹⁹ سوزنچی، حسین؛ آفتاب اندیشه؛ زندگی پس از مرگ (جلد چهارم از مجموعه پرسشها و پاسخهای دینی)؛ تهران: دفتر کمک آموزشی رشد، 1384، صص 66-105.

²⁰ انبیاء / 104؛ طور / 9؛ حاقه / 16؛ معارج / 8؛ رحمن / 37؛ تکویر / 1 و 2؛ قیامه / 7-9؛ مرسلات / 8؛ و...

²¹ زمّل / 14؛ حاقه / 14؛ طور / 10؛ واقعه / 5 و 6؛ قارعه / 5؛ طه / 105 و 106؛ انفطار / 3؛ تکویر / 6؛ و...

²² بسوی جهان ابدی، صص 296 و 297؛ نمل / 87؛ زمر / 68؛ یس / 53؛ نازعات / 13-14؛ عبس / 33-34؛ مدثر / 8-10.

طبق آیات قرآن کریم، پس از نفخ دوم، همه مردگان از قبرهایشان برانگیخته می شوند و برای محاکمه و رسیدگی به اعمالشان در محکمه عدل الهی حاضر می شوند.^[۲۳] سپس، خدای متعال در حضور شاهدان و گواهان، از جمله پیامبران الهی، فرشتگان، زمین، اعضای بدن و پوست بدن،^[۲۴] بر اساس قسط و عدل داوری می کند.^[۲۵] و نامه هر کسی به دستش داده می شود و به آنچه کرده است آگاه می گردد.^[۲۶] به تعبیر دیگر، هر ^[۲۷]کسی نتیجه سعی و کوشش خودش را می یابد

پس از صدور و اعلام حکم الهی، نیکوکاران و بدکاران از یکدیگر جدا می شوند.^[۲۸] آنگاه، هر کدام برای رسیدن به جایگاه خاص خود، از روی پلی به نام «صراط» عبور می کنند. مؤمنان، روسفید و شاد و خندان و به سلامت و آسانی از روی آن عبور می کنند و به بهشت روانه می گردند.^[۲۹] و کافران و منافقان، رو سیاه و ^[۳۰]اندوهگین و با ذلت و خواری از روی آن پل به ورطه دوزخ سقوط می کنند

بهشت با همه نعمت ها و لذات جاودانه اش جایگاه مؤمنان و نیکوکاران است.^[۳۱] دوزخ با رنج و عذاب ابدیش ^[۳۲]جایگاه کافران و منافقانی است که هیچ نور ایمانی در دل هایشان وجود ندارد

23 یس / 51.
 24 به ترتیب: نحل / 89؛ احزاب / 45؛ ق / 21؛ زلزال / 4؛ نور / 24؛ فصلت / 19-21.
 25 یونس / 45 و 93.
 26 آل عمران / 3؛ تکویر / 14.
 27 نجم / 40 و 41.
 28 انفال / 37؛ یس / 59.
 29 زمر / 73؛ آل عمران / 107.
 30 زمر / 60-70؛ آل عمران / 106.
 31 آل عمران / 15 و 133؛ حاقه / 23؛ بقره / 25 و 82؛ محمد (ص) / 15؛ نحل / 31 و 8؛ ق / 35؛ کهف / 31؛ اعراف / 43 و 35؛ صافات / 45-47؛ ص / 51؛ سجده / 17؛ ابراهیم / 23؛ مریم / 62؛ دهر / 13؛ نبأ / 35؛ واقعه / 17.
 32 ابراهیم / 23؛ حجر / 48؛ کهف / 3 و 108؛ طه / 76؛ انبیاء / 102؛ مؤمنون / 11 و ...